

بیانیه ماموریت شخصی:

همه چیز از روزی شروع شد که برای تولدم هدیه لب تاب کادو گرفتیم.....

و فهمیدم که چه **دریای بزرگی** رو به دست آوردم که می تونم تا هر جایی رو پارو بزنم، و این برام خیلی جالب بود و کنجکاویم رو صد برابر می کرد و این کنجکاوی موقعی چند برابر شد که من با **دنیای گرافیک** آشنا شدم و با کار کردن با نرم افزار ها متوجه شدم که برای ادامه مسیرم به صورت **حرفه ای** و **پیشرفته** بهتره که رشته ای که می خوام انتخاب کنم مرتبط با دنیایه بزرگ کامپیوتر باشه و همین شد که رشته ی هنرستانم رو هم **شبکه و نرم افزار** انتخاب کردم تا هم مهارت هام رو ارتقا بدم و هم با دنیای کار آشناییت پیدا کنم.

و در حال حاضر هم **برنامه نویسی** توجه من رو به خودش جلب کرده و من رو با کد و کیل های زیادی آشنا کرده که می تونم از شون درس های زیادی رو یاد بگیرم.

و اینها باعث شده تا شوق یادگیری و چراغ مسیری که انتخاب کردم، برام روشن بشه و اینکه چقدر دنیای یادگیری می تونه هیجان انگیز باشه.

نمی گم که **غریق نجات** خوبی هستم ولی به عنوان یه **شناگر فوب**، همیشه از یادگیری از دیگران لذت می برم واز تمرین کردن و تجربه کردن خسته نمی شم و می خوام که از مسیری که پیش رو دارم، نهایت لذت رو ببرم و اصلا دوست ندارم به این زودی ها به خط پایان برسم!

و هدفم اینکه بتونم هر روز از کسی که دیروز بودم بهتر بشم و بتونم تویه مسیر تبدیل شدن به یک **Full stack**

حرفه ای قدم بگذارم و تا می تونم **تجربه** کسب کنم و به این اعتقاد دارم که این قدم های **کوچکی** که برمی داریم هستن، که مارو به سمت قدم های **بزرگ** تر هدایت می کنن.

و در نهایت به قول آقای انیشتن «زندگی مثل دوچرخه سواریه، برای حفظ کردن تعادل، باید همیشه **در حال حرکت** باشیم!»